

تاریخ ایران

(جلد اول)

ایران قدیم تا صدر اسلام

حسن پیرنیا (مشیرالدوله)

سرشناسه: پیرنیا، حسن، ۱۲۵۲ - ۱۳۱۴.
 عنوان قراردادی: تاریخ کامل ایران. برگزیده
 عنوان و نام پدیدآور: تاریخ ایران قبل از اسلام / نویسنده حسن پیرنیا.
 مشخصات نشر: قم: نگاه آشنا، ۱۴۰۱.
 شابک دوره: ۷-۸۰-۷۷۰۱-۶۲۲-۹۷۸
 شابک جلد اول: ۱-۷۹-۷۷۰۱-۶۲۲-۹۷۸ شابک جلد دوم: ۴-۸۱-۷۷۰۱-۶۲۲-۹۷۸
 شابک جلد سوم: ۱-۸۲-۷۷۰۱-۶۲۲-۹۷۸ شابک جلد چهارم: ۸-۸۳-۷۷۰۱-۶۲۲-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 عنوان دیگر: تاریخ کامل ایران.
 موضوع: ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام
 موضوع: ایران -- تاریخ -- بعد از اسلام
 موضوع: ایران -- تاریخ -- اشکانیان، ۲۴۹ ق.م. - ۲۲۶ م.
 موضوع: ایران -- تاریخ -- ساسانیان، ۲۲۶ - ۶۵۱ م. -- اسناد و مدارک
 شناسه افزوده: پیرنیا، حسن، ۱۲۵۲ - ۱۳۱۴. تاریخ کامل ایران. برگزیده
 شناسه افزوده: اقبال آشتیانی، عباس، ۱۲۷۵ - ۱۳۳۴. تاریخ کامل ایران. برگزیده
 شناسه افزوده: هیئت تحریریه
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۸۵ الف ۹ پ / DSR ۱۴۰
 رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۴۶۲۵۸۸

تاریخ ایران (جلد اول)
 ایران قدیم تا صدر اسلام
 حسن پیرنیا (مشیرالدوله)
 ویرایش: کاظم عابدینی
 ناشر: نگاه آشنا

صفحه آرای: سهیلا گرنه زاده
 تاریخ و نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ: احسان

شابک دوره: ۷-۸۰-۷۷۰۱-۶۲۲-۹۷۸

شابک جلد اول: ۱-۷۹-۷۷۰۱-۶۲۲-۹۷۸



۰۲۵-۳۷۸۳۹۸۳۶

۰۲۵-۳۷۸۳۹۸۳۷

۰۲۵-۳۷۷۳۴۹۳۹

۰۹۱۲۱۵۱۰۴۸۴

مرکز پخش انتشارات زرین

تهران خ انقلاب . خ فخر رازی . خ وحید
 نظری شرقی . پلاک ۶۱ طبقه اول واحد
 b۱۲

۰۲۱-۶۶۹۰۹۰۶۸

کلیه حقوق این اثر ترجمه، متعلق به
 «انتشارات نگاه آشنا» می باشد و
 هرگونه خرید و فروش با مترجم و یا
 کپی از متن کتاب غیرقانونی بوده و
 قطعاً پیگرد قانونی خواهد داشت.



درباره مؤلف (حسن پیرنیا) ۹

یک: شکل جغرافیایی فلات ایران

مقدمه	۱۳
نژادها: نژاد سفیدپوست، مردمان هند و اروپایی	۲۰
آریان‌ها - شعبه ایرانی آنها	۲۲
آمدن آریان‌ها به فلات ایران	۲۴
مذهب آریان‌ها و اخلاق آنها	۲۶
خانواده، طبقات و شکل حکومت	۲۹

دو: مختصری از تاریخ عیلام

مقدمه	۳۵
حدود عیلام	۳۷
نژاد	۳۷
زبان	۳۸
خط	۳۸
مذهب	۳۹
شهر شوش	۳۹
■ تقسیم گذشته‌های عیلام	۴۱
اول: از زمان بسیار قدیم تا [۲۲۲۵ ق.م.]	۴۳
دوم: از [۲۲۲۵ - ۷۴۵ ق.م.]	۵۱
سوم: از [۷۴۵ تا ۶۴۵ ق.م.]	۵۵

سه: تاریخ آریان‌های ایرانی

۶۷	مقدمه
۷۳	■ بخش اول: دوره‌ی مادی
۷۵	مقدمه
۷۹	● فصل اول: شاهان ماد
۸۷	● فصل دوم: تمدن مادی
۹۳	■ بخش دوم: دوره‌ی اول پارسی‌ها
۹۵	مقدمه
۹۷	● فصل اول: شاهان هخامنشی
۹۷	اول - کوروش بزرگ
۱۰۹	دوم - کمبوجیه
۱۱۵	سوم - داریوش اول - بزرگ
۱۲۹	چهارم - خشایارشا
۱۳۷	پنجم - اردشیر اول (اَرْتِ خْشَثْر)
۱۳۸	ششم - خشایارشا دوم
۱۳۸	هفتم - سغدیانس
۱۳۸	هشتم - داریوش دوم
۱۴۰	نهم - اردشیر دوم (اَرْتِ خْشَثْر)
۱۴۴	دهم - اردشیر سوم
۱۴۵	یازدهم - آرشک
۱۴۵	دوازدهم - داریوش سوم
۱۴۷	● فصل دوم: قشون‌کشی اسکندر به ایران - انقراض سلسله‌ی هخامنشی
۱۴۷	مقدمه
۱۴۹	جنگ گرانیک
۱۵۰	جنگ ایسوس
۱۵۲	جنگ گوگامل
۱۵۷	● فصل سوم: تمدن ایران در دوره‌ی هخامنشی
۱۵۷	وسعت دولت هخامنشی
۱۵۸	تشکیلات
۱۵۹	داوری و مجازات‌ها
۱۶۰	سپاه
۱۶۱	مذهب
۱۶۴	طبقات
۱۶۵	صنایع
۱۶۷	آثار دوره‌ی هخامنشی
۱۷۰	در نقش رستم
۱۷۰	در شوش

۱۷۱	سروستان و فیروزآباد
۱۷۱	زبان و خط
۱۷۳	کتیبه‌ها
۱۷۵	■ بخش سوم: دوره‌ی مقدونی و یونانی (اسکندر و سلوکی‌ها)
۱۷۷	● فصل اول: فتوحات اسکندر بعد از فوت داریوش سوم
۱۷۷	تسخیر ممالک شرقی ایران
۱۷۹	سفر جنگی به هند
۱۸۰	مراجعت اسکندر به ایران و فوت او
۱۸۳	● فصل دوم: طرز رفتار اسکندر - کارهای او
۱۸۷	● فصل سوم: جانشینان اسکندر - سلوکی‌ها
۱۹۱	■ بخش چهارم: دوره‌ی پارتی‌ها
۱۹۳	● فصل اول: پارتی و شاهان اشکانی
۱۹۳	پارت، یعنی خراسان کنونی
۲۲۳	● فصل دوم: اوضاع ایران در دوره‌ی پارتی‌ها - تمدن اشکانی
۲۲۳	بسط دوره اشکانی
۲۲۵	تشکیلات دولت اشکانی
۲۲۶	مذهب
۲۲۷	زبان و خط
۲۲۹	صنایع و فنون
۲۳۱	تجارت
۲۳۲	مسکوکات
۲۳۳	مذاهب خارجه
۲۳۳	نتیجه
۲۳۵	■ بخش پنجم: دوره‌ی دوم پارسی‌ها
۲۳۷	● فصل اول: شاهان ساسانی
۲۳۷	مقدمه
۲۳۹	اول - اردشیر اول (ارت خستر)
۲۴۲	دوم - شاپور اول (شاه پوهر)
۲۴۵	سوم - هرمز اول (اثو هرمزد)
۲۴۵	چهارم - بهرام اول (وره ران)
۲۴۶	پنجم - بهرام دوم (وره ران)
۲۴۷	هفتم - نرسی (نرسه)
۲۴۸	هشتم - هرمز دوم (اواهر مزد)
۲۴۹	نهم - آذر نرسی (آذر نرسه)
۲۴۹	دهم - شاپور دوم (شاه پوهر) - بزرگ
۲۵۴	یازدهم - اردشیر دوم (ارت خستر)
۲۵۵	دوازدهم - شاپور سوم (شاهپور)

۲۵۵	سیزدهم - بهرام چهارم (وره ران)
۲۵۶	چهاردهم - یزدگرد اول (یزدکرت)
۲۵۷	پانزدهم - بهرام پنجم (گور)
۲۶۰	شانزدهم - یزدگرد دوم (یزدکرت)
۲۶۱	هفدهم - هرمز سوم (اوهرمزد)
۲۶۱	هیجدهم - فیروز اول (پیروز)
۲۶۲	جنگ‌های هیاطله
۲۶۴	نوزدهم - بلاش (ولگاش)
۲۶۴	بیستم - قباد اول (کوات)
۲۶۸	بیست و یکم - خسرو اول انوشیروان عادل
۲۷۸	بیست و دوم - هرمز چهارم (اهورمزد)
۲۸۰	بیست و سوم - خسرو دوم معروف به پرویز
۲۸۱	جنگ‌های خسرو پرویز با بیزانس
۲۸۷	بیست و چهارم - قباد دوم - (کوات)
۲۸۷	بیست و پنجم - اردشیر سوم (ارت خستر)
۲۸۸	بیست و ششم - الی سی و چهارم - زمان هرج و مرج
۲۸۹	سی و پنجم - یزدگرد سوم - (یزدکرت)
۲۹۱	○ نهضت عرب به طرف ایران
۲۹۱	مقدمه
۲۹۳	جنگ ذوقار
۲۹۴	جنگ زنجیر
۲۹۴	جنگ پل
۲۹۶	جنگ قادسیه و تصرف مداین [۱۴ هجری - ۶۳۶ م]
۲۹۸	جنگ جلولاء
۲۹۹	جنگ نهاوند
۲۹۹	تسخیر ایالات ایران و فوت یزدگرد
۳۰۰	سلسله ساسانی پس از فوت یزدگرد
۳۰۱	ایران پس از جنگ نهاوند
۳۰۳	● فصل دوم: تمدن ایران در دوره‌ی ساسانی
۳۰۳	مبحث اول: طبقات، تشکیلات، مسکوکات، تجارت و روابط خارجه
۳۱۷	مبحث دوم: مذاهب در دوره‌ی ساسانی
۳۳۰	مبحث سوم: اخلاق و مجازات‌ها
۳۳۳	مبحث چهارم: زبان و کتب پهلوی، ادبیات، خط و تاریخ
۳۳۹	مبحث پنجم: صنایع
۳۴۵	خاتمه
۳۴۹	کارهایی که آریان‌های ایرانی برای تمدن بشر کرده‌اند

درباره‌ی مؤلف



◀ حسن پیرنیا

حسن پیرنیا در سال [۱۲۹۱ هـ. ق = ۱۲۵۲ ش] متولد شد و تحصیلات ابتدایی را در منزل، نزد معلم خصوصی فراگرفت. بعد از آن، پدرش او را به خارج از کشور فرستاد تا تحصیلاتش را ادامه دهد. از این‌رو، او به مسکو رفت و از مدرسه‌ی کادکسی‌کرپوس به مدرسه‌ی نظام وارد شد و تحصیلاتش را در آن جا آغاز نمود. پس از آن، او برای خواندن رشته‌ی حقوق به دانشکده‌ی مسکو رفت و بعد از پایان تحصیلاتش، به عنوان وابسته‌ی سفارت ایران در پترزبورگ، مشغول به کار شد. او در سمت‌های مختلف دولتی، سالیان سال فعالیت داشت. همچنین در سفر مظفرالدین شاه به اروپا، به عنوان مترجم، شاه را همراهی می‌کرد. او بعدها به عنوان سفیر ایران در پترزبورگ، فعالیت خود را آغاز نمود. مشیرالدوله در زمان صدارت سپهدار به سمت وزارت عدلیه برگزیده و در کابینه مجدد، به وزارت پست و تلگراف انتخاب شد. در کابینه‌های دیگر هم پست‌های مهمی به او واگذار گردید.

علاوه بر آنچه ذکر شد، مشیرالدوله در چهار دوره به سمت رئیس الوزرای منصوب گشت و در دوره‌های مختلف مجلس هم مدتی نمایندگی مردم را به عهده داشت؛ اما در دوره‌ی چهارم نخست‌وزیری‌اش، رضاخان پهلوی، مشکلات بسیاری برای این مرد بزرگ فراهم آورد تا جایی که مجبور شد نزد احمدشاه برود و استعفای خود را تقدیم کند. شاه کوشید او را منصرف کند، ولی نپذیرفت و از کارهای رضاخان که در امور مملکتی دخالت می‌نمود و در دولت او مستقلاً دولتی تشکیل داده بود، گله می‌کرد.

پس از استعفا، مشیرالدوله گوشه گیر شد، به کارهای فرهنگی روی آورد و تا آخر عمر به نوشتن پرداخت و آثار بسیار خوبی از خود برجای نهاد. او در آبان‌ماه سال [۱۳۱۴ ش] در سنّ شصت و سه سالگی، در منزل شخصی خود، دار فانی را وداع گفت و بستگانش او را در صحن مطهر امامزاده صالح تجریش، در مقبره‌ی خانوادگی‌اش به خاک سپردند.



شکل جغرافیایی فلات ایران



نژادها: نژاد سفیدپوست، مردمان هند و اروپایی

آریان‌ها - شعبه ایرانی آنها

آمدن آریان‌ها به فلات ایران

مذهب آریان‌ها و اخلاق آنها

خانواده، طبقات و شکل حکومت



مقدمه



مملکتی که ما آن را ایران می‌نامیم، قسمت اعظم سرزمین وسیعی است که در جغرافیا موسوم به فلات ایران است. این مرز و بوم پهناور، شامل جلگه‌ی وسیع و بلندی‌ست که از هر طرف کوه‌های بلند آن را احاطه دارد. این سرزمین در مشرق، با سه رشته کوه متوازی که معروف به کوه‌های سلیمان است و در شمال، با کوه‌های البرز که مانند زنجیری از شرق به غرب امتداد یافته، محصور شده است. این کوه‌ها در غرب از کوه‌های ارمنستان جدا شده و از جنوب دریای خزر گذشته، همچنین به واسطه‌ی کوه بابا به هندوگه پیوسته و از طریق آن به هیمالیا که بلندترین قله‌ی عالم است، متصل می‌باشد.

در مغرب فلات، کوه‌های کردستان یا زاگرس واقع است که از شمال به جنوب رفته و سپس به طرف جنوب و شرق برگشته و به دریای عمان می‌رسد. کوه‌های جنوب و مشرق، از مواد آهکی‌ست. در کوه‌های غربی نزدیک دریاچه‌ی ارومیه، سنگ خارا نیز دیده می‌شود. بعضی از کوه‌های شمال از مواد آتشفشانی ترکیب یافته‌اند؛ یعنی موادشان از قعر زمین بیرون آمده است، مانند دماوند در نزدیکی

تهران و سبلان در آذربایجان. این آتشفشان‌ها اکنون خاموشند. اعلا درجه‌ی بلندی فلات ایران، در جنوب آن و سراشیبی فلات از جنوب به شمال است؛ زیرا در کرمان ارتفاع آن تقریباً هزار و ششصد متر، در مشهد هزار و پنجاه و در تبریز از هزار و دویست تجاوز نمی‌کند. مساحت فلات ایران، دو میلیون و ششصد هزار کیلومتر مربع یا تقریباً پنجاه و پنج هزار فسخ مربع می‌باشد. ایران امروزی، از این مساحت دارای شصت و سه درصد یا تقریباً دو ثلث از کل است. آنچه باقی می‌ماند، متعلق به ممالکی است مانند: افغانستان، بلوچستان و غیره که به تدریج از اوایل قرن سیزدهم هجری در اثر حوادث تاریخی از ایران جدا شده‌اند.

آب و هوای فلات ایران خشک است، بخصوص در قسمت مرکزی آن که موسوم به کویر لوت می‌باشد و یکی از گرم‌ترین جاهای دنیاست. به استثنای گیلان، مازندران و سواحل خلیج فارس که بارندگی زیادی دارند، در سایر نقاط ایران، مجموع مقدار باران در عرض سال تقریباً از سه گره و نیم تا چهار گره و نیم تجاوز نمی‌کند. در شمال ایران، بادهای باران‌آور زیاد می‌می‌وزد، ولی وقتی به کوه‌های بلند البرز برمی‌خورد، اغلب نمی‌تواند به سمت جنوب آن راه یابد، از این جهت در گیلان و مازندران بارندگی افزون می‌شود و صفحات جنوبی این کوه خشک باقی می‌ماند.

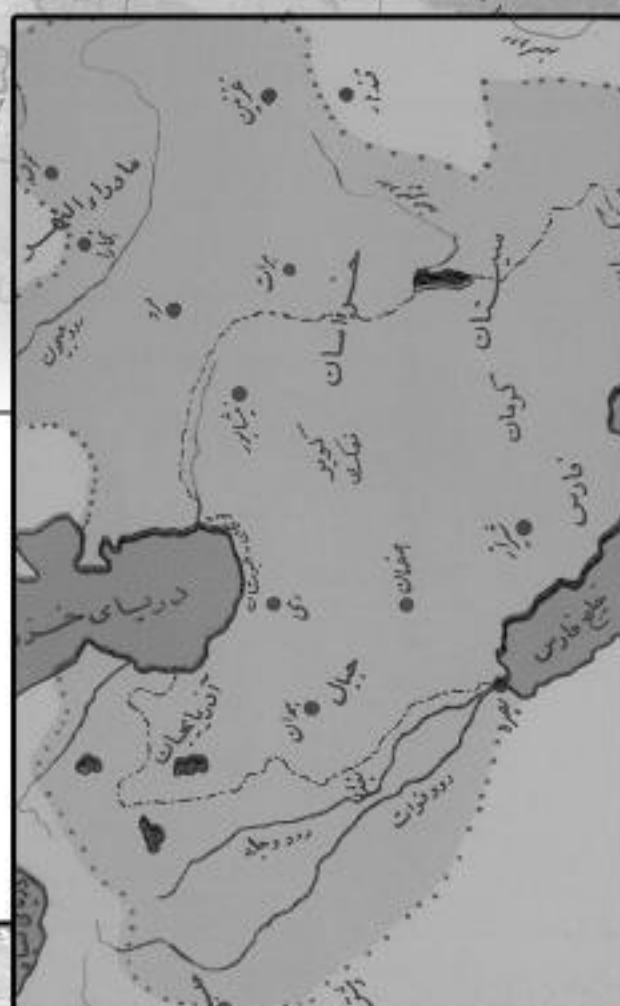
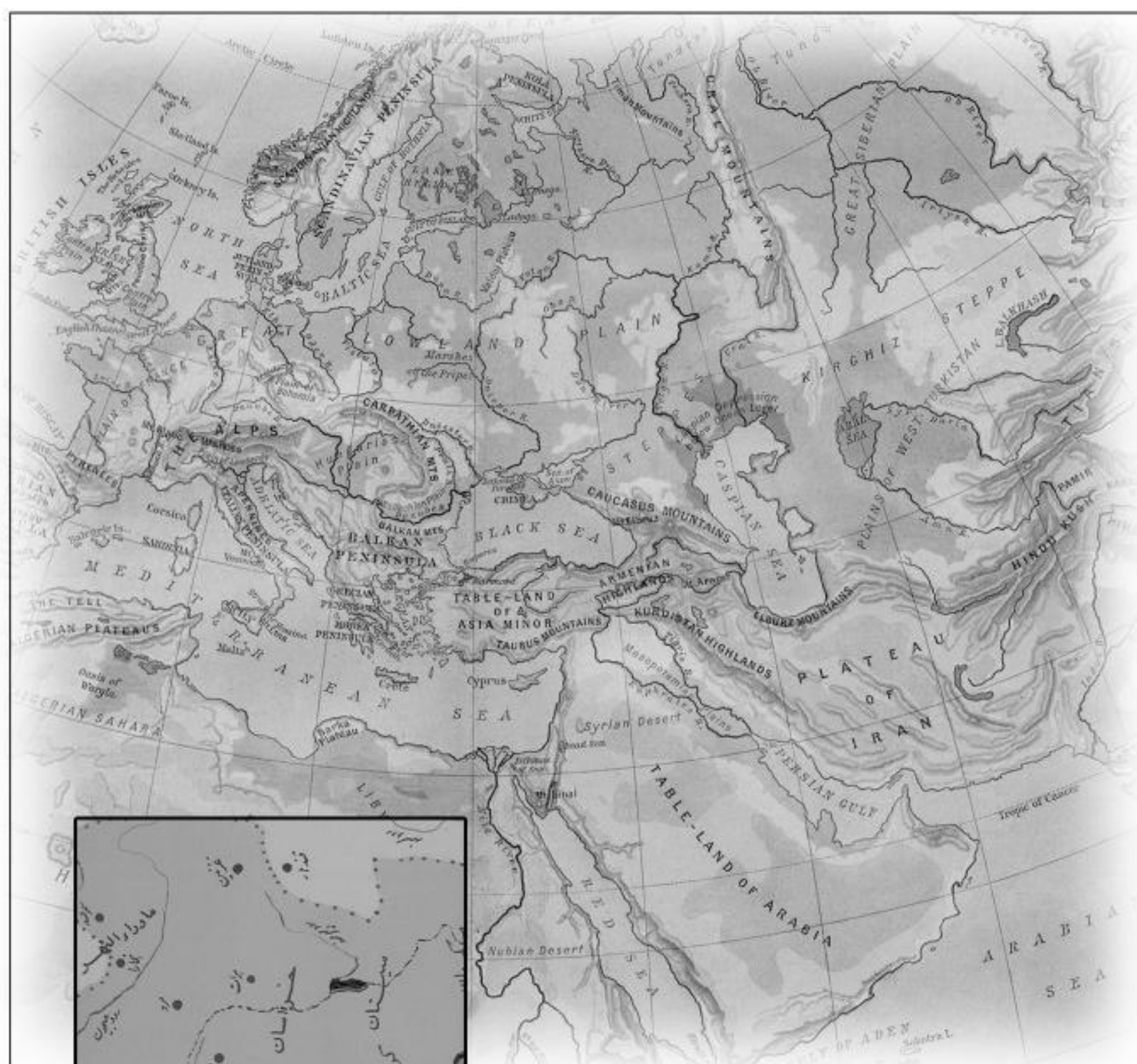
بادهایی که در ایران می‌وزند از دو سمت است، شمال غرب و جنوب شرق. اولی در اثر بادهای تند شمال آمریکاست که از اقیانوس اطلس عبور می‌کند، از راه دریای مغرب به شامات و آسیای صغیر می‌رسد و از آن جا در ایران و هند می‌وزد دومی از اقیانوس هند سرچشمه می‌گیرد و به طرف ایران می‌وزد. اینکه جهت این بادهای تغییر نمی‌کند از این جاست که بادهای مذکور باید از دالان تنگ سلسله جبال‌ها بگذرند. بدیهی است که کوه‌ها جا و جهتشان را عوض نمی‌کنند، به

همین دلیل در بعضی از قسمت‌های ایران، بادهایی مانند باد صد و بیست روز سیستان، وزش منظم و تندی دارند.

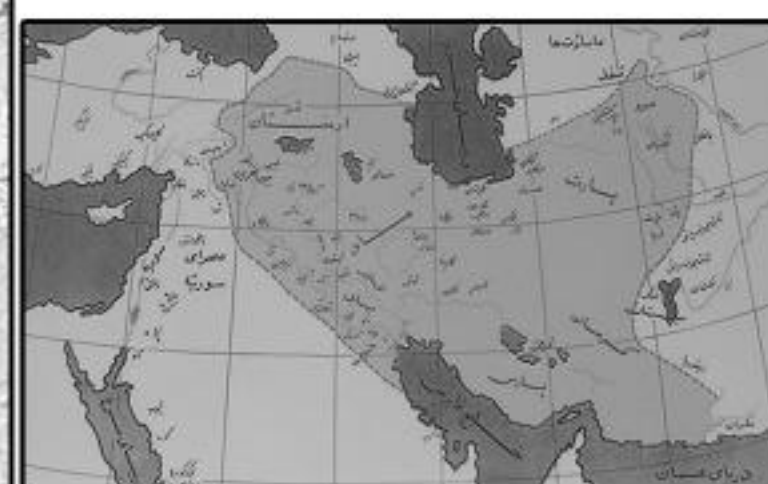
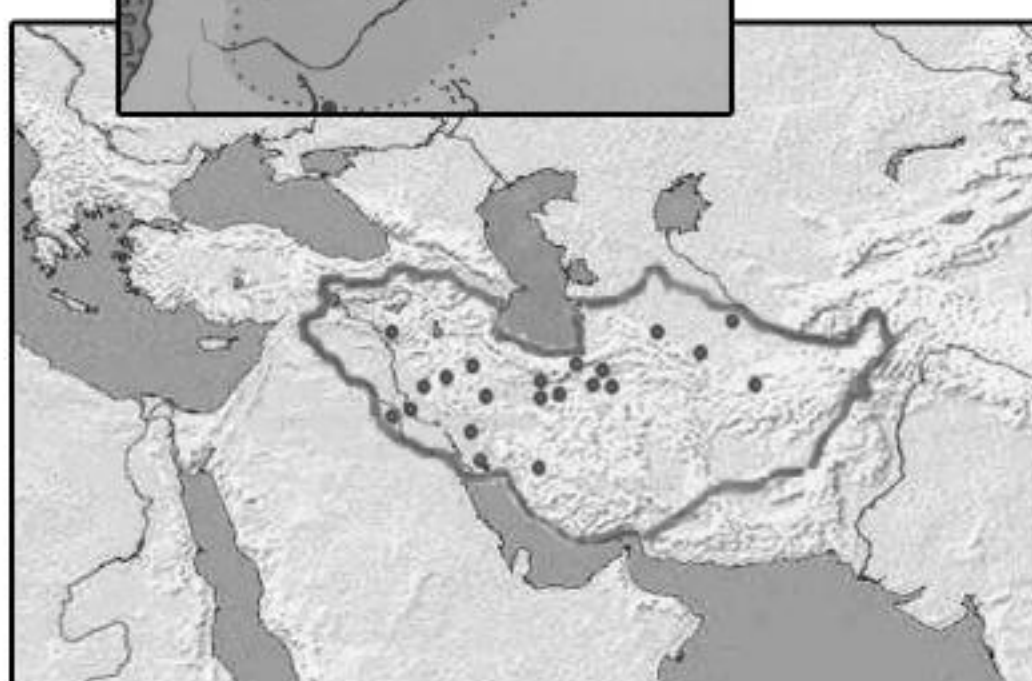
در وسط فلات ایران، کویریست که اهالی جنوب آن را لوت می‌نامند. با وجود اینکه این کویر، پست‌ترین قسمت فلات ایران است، باز هم بلندی‌اش به ششصد و نه متر می‌رسد. به همین دلیل وجود باتلاق هاورینگ روان، عبور از کویر برای کاروان‌ها خطرناک می‌باشد. در فلات ایران تنها رودی که قابل کشتیرانیست کارون می‌باشد. رود مزبور، از کوه‌های بختیاری شروع می‌شود، در خوزستان جاریست و به شط‌العرب می‌ریزد.

رودهای دیگر فلات ایران از این قرارند: در شمال، ارس، سرخرود یا قزل‌اوزن (که پس از پیوستن به شاهرود، آن را سفید رود نامیدند.) و اترک هستند که به دریای خزر می‌ریزند. در اصفهان زاینده‌رود وجود دارد که در باتلاقی گم می‌شود. در طرف مشرق، مرغاب و هریرود هستند که در صحرای ترکمن فرو می‌روند. در سیستان هیلمند (هیرمند) و در حدّ شمال شرقی فلات ایران، رود بزرگ آمویه است که از بدخشان شروع شده و به دریای آرال می‌ریزد. فلات ایران دارای چند دریاچه است. دانشمندان زمین‌شناسی، آنها را باقیمانده‌ی دریایی می‌دانند که زمانی قسمت اعظم فلات ایران را در زیر خود داشت. دریاچه‌های مزبور به قرار ذیل می‌باشند:

در شمال و غرب فلات و صفحات مجاور آن: دریاچه ارومیه در طرف غربی آذربایجان، دریاچه‌ی وان در ترکیه، در پانزده فرسخی حدود ایران و دریاچه‌ی گی‌چای در قفقازیه. مهم‌ترین اینها دریاچه‌ی ارومیه است که عمق آن پانزده ذرع، آب آن خیلی شور و تقریباً در ارتفاع هزار متری از سطح دریای اقیانوسی واقع می‌باشد. در فارس، دو دریاچه‌ی مهارلو و نیریز و در سیستان دریاچه‌ی هامون وجود دارد که فاضلاب آن در سال‌هایی که بارندگی می‌شود، به گود (زرده)



ایران باستان



می‌ریزد. در کرمان، هامون دیگری نیز هست موسوم به نمکزار (برخی اسم این دریاچه را جازموریان نوشته‌اند.) آب دو رود کوچک بمپور و هلیل به این هامون می‌ریزد. بین تهران و قم نیز دریاچه‌ی قم یا حوض سلطان وجود دارد.

چنان‌که گفته شد، فلات ایران از سمت شمال به دریای خزر محدود است. این اسم به مناسبت مردمانی است که موسوم به خزر بوده‌اند و طی گذشت قرن‌ها در کناره‌ی شمال غربی این دریا به سر برده‌اند. این دریا از حیث عمق به سه قسمت تقسیم شده است. گودترین جای آن، در قسمت جنوبی است، زیرا شمال دریا از جهت لای رود بزرگ ادیل (ولگا) که به دریا می‌ریزد، کم عمق می‌باشد. سطح دریا بیست و شش متر از سطح دریای اقیانوسی پایین‌تر است و چنان‌که تجربه شده، همواره فرو می‌رود. مردم علت این امر را از تابستان‌های بسیار گرم و تبخیر زیاد آب دریا می‌دانند.

فلات ایران از سمت جنوب به خلیج فارس و دریای عمان محدود است. خلیج مزبور که از گرم‌ترین جاهای دنیاست و شبه جزیره‌ی عربستان را از ایران جدا می‌کند، به واسطه‌ی تنگه‌ی هرمز با دریای عمان اتصال می‌یابد و از این راه به تمام دنیا مربوط می‌شود. شط العرب به این خلیج می‌ریزد. ملل قدیم عالم مانند: سومری‌ها، اکدی‌ها، عیلامی‌ها، کلدانی‌ها، پارسی‌ها و نیز اعراب، ارتباط تاریخی نزدیکی با این خلیج داشته‌اند. سواحل آن، مهد تمدن‌های خاموش دوران گذشته است.

جزایر بسیاری در این خلیج وجود دارد که بزرگ‌ترین آنها قشم و بحرین می‌باشد.

فلات ایران دارای معادن زیادی است از قبیل: مس، آهن، سرب، زغال سنگ، مرمر، گل سرخ، فیروزه و غیره. چنان‌که علمای فن می‌گویند، قسمت بزرگ فلات ایران روی نفت قرار گرفته، ولیکن چون هنوز کاملاً به استخراج معادن

نپرداخته‌اند، محصولات آن بیشتر زراعتی‌ست. این منطقه، آب و هوای بدی دارد و بارندگی در آن کم است. در بعضی قسمت‌های ایران، زراعت فقط آبی‌ست، ولی به طور کلی زراعت دیمی در ایران غلبه دارد. شمال و غرب فلات ایران، از حیث نباتات از قسمت مرکزی و شرقی غنی‌تر است. جهت آن در شمال تا کوه‌های البرز و دریای خزر و در غرب تا دریای مغرب است که هرچند در فلات ایران ضعیف می‌باشد، ولی باز در قسمتی از مغرب آن نافذ است. مناطقی که آب باشد، خاک درّه‌ها حاصلخیز است و نباتات قوّت زیادی دارند.

خاک درّه‌ها و دامنه‌ها رسوبی، لایه‌ست که از سیلاب‌ها و رودهای روی زمین باقی مانده‌اند؛ ولی وقتی از سطح زمین قدری پایین برویم، اغلب به سنگ، ریگ و ماسه می‌رسیم. گرچه عرض جغرافیایی فلات ایران تقریباً بیست و چهار تا چهل و دو شمالی‌ست و نباید در این عرض، اختلاف زیادی بین آب و هوای نقاط مختلف فلات باشد؛ ولیکن به واسطه‌ی اختلاف ارتفاع یا زمان خاص، در کنار دریاها و دریاچه‌ها، در پناه کوه‌ها یا در نزدیکی کویر، اختلاف زیادی در آب و هوای مناطق مختلف فلات ایران حاصل شده است؛ از این جهت همه نوع درخت، گل و ریحان در ایران می‌روید. راه‌های تجارت و روابط امروزی سکنه‌ی فلات ایران، تقریباً همان است که در دوران تاریخی بوده، لذا فقط بعضی را که برای تاریخ اهمیت دارد، ذکر می‌کنیم.

راهی که از بین‌النهرین به فلات ایران می‌آمد، از جایی که بعدها موسوم به سلوکیه گردید و در نزدیکی بغداد کنونی بود، شروع می‌شد. از دجله می‌گذشت، متابعت وادی دیاله را می‌نمود و به آرتی می‌تا در نزدیک قزل رباط امروزی می‌رسید، سپس به «شالا» که کرسی حُلوان بود، منتهی می‌گشت. از این جا صعود به فلات ایران شروع می‌شد. راه مزبور، بعد از گذشتن از

کوه‌های زاگرس و کامبادن یا تقریباً کرمانشاه امروزی وارد وادی بلند کرخه می‌شد و پس از عبور از کنگاور (کُنکبار قدیم) به همدان منتهی می‌گشت. همدان به واسطه‌ی راه‌های مختلف با شوش و شهرهای دیگر ارتباط می‌یافت. از راه‌های دیگر، راه‌هایی که از فلات ایران به هند می‌رود، شایان توجه است. یکی از آنها راهی ست که از وادی کال شروع می‌شود، از کوه‌های سلیمان می‌گذرد و به پیشاور که در وادی سند است، می‌رسد. دیگری که کوتاه‌تر است از تنگه‌ی خیبر می‌گذرد.

فاتحین هند و نادرشاه از این راه عبور کرده‌اند. بالاخره راهی که افغانستان کنونی را به وادی آمویه ارتباط می‌داد و اکنون نیز همان اهمیت را دارد، راهی ست که از بامیان و بلخ شروع می‌شود و پس از قطع کوه‌های هندوکُ، به وادی مزبور می‌رسد. سایر راه‌های ایران، یعنی از ری به آذربایجان، گیلان و خراسان، از خراسان به آسیای وسطی، از بندرعبّاس به شیراز، از ری از راه دامغان به طبرستان به همان شکل گذشته وجود دارند. در گذشته، تعداد نفوس فلات ایران معلوم نبود. اکنون هم، چون سرشماری نشده محققاً معلوم نیست. حدس می‌زنند که باید جمعیت ایران، افغانستان و بلوچستان، شانزده میلیون باشد. از سایر اطلاعات جغرافیایی، چون ارتباط مستقیمی با تاریخ ندارد می‌گذریم؛ ولیکن این نکته را که برای تاریخ بسیار حایز اهمیت است، باید در نظر داشت: فلات ایران پلی ست که قسمت‌های مخصوصی داشت؛ حتّا در دورانی که دریانوردی آسان نبود، فلات ایران یگانه راهی بود که قسمت‌های آسیا را با یکدیگر و با ممالک دریای مغرب و اروپا مربوط می‌نمود، چون فلات مزبور در چهارراه عالم قدیم واقع بود و وسیله‌ی ارتباط مردمان بسیاری از نژادها و ملل مختلف محسوب می‌شد. در این موقعیت جغرافیایی نتایجی حاصل شده که از تاریخ آن معلوم است و در ذیل بیان می‌شود.

◀ نژادها: نژاد سفیدپوست، مردمان هند و اروپایی

چنان‌که از نژادشناسی معلوم است سکنه‌ی روی زمین از حیث نژاد به پنج قسمت تقسیم شده‌اند:

- ❑ ۱. سفیدپوست یا ابیض.
- ❑ ۲. زردپوست یا اصفر.
- ❑ ۳. سرخ‌پوست یا احمر.
- ❑ ۴. سیاه‌پوست یا اسود.
- ❑ ۵. ماله.

سه نژاد اخیر ارتباطی با موضوع این کتاب ندارند.

برخی از محققین، نژاد زردپوست را نژاد مغول نیز نامیده‌اند. این نژاد، مطابق عقیده‌ی بیشتر محققین به سه قسمت تقسیم شده: چین، تبت مغول، منچو ترک و تاتار. بیشتر این مردمان، در آسیای شرقی، سیبری یا آسیای وسطی ساکن شده‌اند و دسته‌هایی از آنها در آسیای غربی و اروپا مأوی گزیده‌اند؛ مانند: برخی از سکنه‌ی قفقازیه، تاتارهای قدیم، ترک‌ها، مجارها، فین‌ها و غیره.

نژاد سفیدپوست را نیز به سه قسمت تقسیم کرده‌اند: هند و اروپایی، سامی و حامی. چنان‌که تورات بیان نموده، بنی‌حام ازحام پسر نوح بودند. درمورد وطن آنها بین محققین اختلاف است. برخی وطن اصلی آنها را بابل یا جایی در آسیای غربی دانسته‌اند و عقیده داشتند که این مردم از آسیا به آفریقا رفته و در مصر، لیبیا و غیره ساکن شده‌اند؛ ولی ثلثه‌که خاورشناس معروف، همواره بر این عقیده بود که مسکن آنها آفریقای شمال شرقی بوده، زیرا از نظر شکل، قیافه و غیره به سیاه‌پوست‌های آفریقا نزدیک‌ترند. بیشتر محققین، اهالی قدیم مصر (قبطی‌ها)، بربری‌های لیبیا و نیز کوشی‌ها (حبشی‌ها) را از بنی‌حام دانسته‌اند. اکنون حامی‌ها با نژادهای دیگر مخلوط شده‌اند. بنی‌سام که یکی از شاخه‌های بزرگ